

تعالیم کریشنامورتی



سری سْرِ پْرکاشن

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

مترجم

محمد جعفر مصفا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

۱۰۸، سٹریٹ نمبر ۱۰، پورٹ بلاک،

کولمبو ۱۰، سری لنکا

فهرست

۹. یادداشت مترجم.....
۱۳. ۱. جوهر تعالیم.....
۱۶. ۲. هنگامی که شروع به اندیشیدن مستقل نمودم.....
۳۱. ۳. رایحه آگاهی.....
۳۹. ۴. چرا باید تشکیلات داشت؟.....
۵۲. ۵. هیچ چیز خاص نو نیست؛ همه چیز نو است.....
۵۴. ۶. هر فرد باید مستقیماً راه خود را بسازد.....
۵۹. ۷. راه و حقیقت بی راه.....
۶۱. ۸. واسطه چیزی نیست جز چوب زیر بغل.....
۶۵. ۹. طریق آگاهی.....
۶۶. ۱۰. یک هستی و شخصیت در حال پیشرفت.....
۶۹. ۱۱. رهایی یک نتیجه یا حصول چیزی نیست.....
۷۳. ۱۲. حقیقت جنبه‌های مختلف ندارد.....
۷۸. ۱۳. ما چگونه می‌توانیم به بشریت کمک کنیم؟.....
۸۰. ۱۴. گسترش سیستم‌ها کاری است عبث.....
۸۲. ۱۵. خودت کشف کن.....
۸۵. ۱۶. مسئله تشکیلات.....
۹۰. ۱۷. آن‌جا که هشیاری انفعالی هست.....
۹۵. ۱۸. اگر می‌خواهید به گسترش تعلیمات کمک کنید، آن را در زندگی.....

- ۱۷۴..... ۴۶. چه چیز منجر به یک تحول بنیانی می‌شود؟
- ۱۷۷..... ۴۷. فروتنی را نمی‌توان پرورد.....
- ۱۸۰..... ۴۸. زیستن با تنهایی.....
- ۱۸۲..... ۴۹. مغز، یک جزء از کل.....
- ۱۸۵..... ۵۰. حساسیت، پالایش، و احساس (sensation).....
- ۱۸۸..... ۵۱. سؤال کردن.....
- ۱۹۱..... ۵۲. گزینش یعنی تضاد.....
- ۱۹۴..... ۵۳. عادت به کلمه.....
- ۱۹۶..... ۵۴. هنر نگاه کردن.....
- ۲۰۴..... ۵۵. شکوفایی مدیتیشن.....
- ۲۰۶..... ۵۶. این تعبیر و تأویل نیست.....
- ۲۱۰..... ۵۷. لفظ غیر از واقعیت است.....
- ۲۱۱..... ۵۸. در احساس صلح و صفای باطن وقفه و فاصله نیست.....
- ۲۱۴..... ۵۹. دیدن، گوش کردن و یادگیری.....
- ۲۱۹..... ۶۰. تعلیمات شما چیست؟.....
- ۲۳۵..... ۶۱. شخصی از Seattle.....
- ۲۴۰..... ۶۲. مربوط به تمامیت زندگی است.....
- ۲۴۲..... ۶۳. کلمه خود حقیقت نیست.....
- ۲۴۵..... ۶۴. انسان چگونه می‌تواند بفهمد آن چه.....
- ۲۴۸..... ۶۵. آیا در تعلیم شما تغییری ایجاد شده است؟.....
- ۲۵۵..... ۶۶. یک شب در هندوستان.....
- ۲۵۷..... ۶۷. کریشنامورتی از طریق تفحص به آن تعلیمات نرسیده است.....
- ۲۶۹..... ۶۸. من بر کرسی افتخار ننشسته‌ام.....
- ۲۷۲..... ۶۹. تعلیم به‌عنوان یک آینه.....
- ۲۷۳..... ۷۰. واقعیت یک رابطه.....
- ۲۷۶..... ۷۱. همه یا هیچ؟.....
- ۲۸۴..... ۷۲. اگر یک نفر بتواند.....

- ۹۹..... ۱۹. درک و شناخت «آن چه هست».....
- ۱۰۲..... ۲۰. در بن هر سنگ و هر برگگی جاودانگی نهفته است.....
- ۱۰۵..... ۲۱. پروپاگانداچی یک دروغگو است.....
- ۱۰۸..... ۲۲. حقیقت آن جا هست که شما هستید.....
- ۱۱۸..... ۲۳. چرا همه چیز را نام‌گذاری می‌کنیم؟.....
- ۱۲۰..... ۲۴. کار من یا کار شما؟.....
- ۱۲۳..... ۲۵. آیا شما تکنیک خاصی دارید؟.....
- ۱۲۵..... ۲۶. حداقل معیار و شرایط برای یک سالک.....
- ۱۲۶..... ۲۷. برحذر باشید از تأویل و تفسیرکنندگان.....
- ۱۳۱..... ۲۸. کار من چیست؟.....
- ۱۳۳..... ۲۹. شما نباید تعلیمات مرا اشاعه دهید.....
- ۱۳۹..... ۳۰. شما مهم‌اید، نه تعلیم.....
- ۱۴۲..... ۳۱. سکوت، شناخته و ناشناخته.....
- ۱۴۶..... ۳۲. آیا به رنج‌های دیگران توجه داریم؟.....
- ۱۴۸..... ۳۳. حقیقت چیست؟.....
- ۱۵۰..... ۳۴. آیا مغز هرگز می‌تواند کاملاً آرام باشد؟.....
- ۱۵۱..... ۳۵. انهدام و خلق.....
- ۱۵۳..... ۳۶. زیبایی ضدی ندارد.....
- ۱۵۵..... ۳۷. قداست دست نیافتنی است؛ غیر ملموس است.....
- ۱۵۷..... ۳۸. راهی برای فرار از تنهایی وجود ندارد.....
- ۱۵۹..... ۳۹. باید.....
- ۱۶۰..... ۴۰. خلایقیت در نفی کامل.....
- ۱۶۳..... ۴۱. نفی، پایان اندیشه است.....
- ۱۶۵..... ۴۲. زیستن با مرگ.....
- ۱۶۷..... ۴۳. مرگ، مطلق و غایی.....
- ۱۶۹..... ۴۴. چه چیز مدیتیشن نیست!.....
- ۱۷۰..... ۴۵. اکنون یا هرگز.....

۲۸۷	حرکتی برون از زمان.....
۲۸۹	۷۴. معنای مرگ چیست؟.....
۲۹۶	۷۵. اگر استمرار نباشد.....
۲۹۹	۷۶. آیا می توان به ورای زمان رفت؟.....
۳۰۴	۷۷. هنگامی که شخص با تردید و عدم اطمینان آغاز می کند.....
۳۱۰	۷۸. مدیتیشن تکرار یک مقدار شعایر (Mantram) نیست.....
۳۱۲	۷۹. حساسیت و تمایل.....
۳۱۶	۸۰. شما چگونه می دانید...؟.....
۳۱۸	۸۱. شکوه مرگ.....
۳۲۳	۸۲. «تعلیمات» یا «اثر»؟.....
۳۲۵	۸۳. زیستن با تعالیم در زندگی روزمره.....
۳۴۰	۸۴. آیا تعالیم کریشنامورتی هم روزی از بین خواهد رفت؟.....
۳۴۶	۸۵. کریشنامورتی مهم نیست.....
۳۴۷	۸۶. اگر شما از زندگی خود یک وضع آشفته و پر ادبار ساخته اید.....
۳۴۹	۸۷. اگر با تعالیم زندگی کنند.....

یادداشت مترجم

این کتاب از ویژگی خاصی برخوردار است. مؤلف، خلاصه تعالیم کریشنامورتی را در باب انواع مسائل و موضوعات زندگی، در مقالاتی موجز و در عین حال قابل درک آورده است.

یکی از ویژگی های کتاب این است که جز یک مورد استثنایی، مقالات به ترتیب تاریخی که توسط کریشنامورتی ایراد شده اند، آمده است. از تاریخ ۱۹۲۷ که کریشنامورتی اولین سخنرانی خود را شروع می کند، تا آخرین سخنرانی که ده روز قبل از مرگ او - در هفتم فوریه ۱۹۸۶ - ایراد شده است به ترتیب آمده. حسن این ترتیب آن است که خواننده با جریان تکامل ذهنی انسانی که - اگر یکی از انسان های استثنایی و شگفت انگیز تاریخ نباشد، از انسان های استثنایی زمانه ماست - آشنا می شود. ناپختگی هایی نه فقط در فرم و صورت، بلکه گه گاه در متن و محتوای سخنرانی ها و نوشته های جوانی او دیده می شود. و نیز دیده می شود که چگونه رفته رفته به پختگی و متانت نزدیک می شود. و آن گاه آثار و عوارض کهولت را در سخنان پایانی زندگی او مشاهده می کند.

کتاب مطلقاً پاورقی ندارد. موضوع داخل پرانتز یک مورد دارد. تمام پاورقی ها و تمام موضوعات داخل پرانتز (جز آن یک مورد) افزوده های توضیحی مترجم است.

این ترجمه، مانند دیگر ترجمه‌های آثار کریشنامورتی به این قلم، ترجمه‌ای است آزاد — و تا حد کمی غیر امانت‌دارانه. چون در متن به حد کافی، و شاید بیش تر از کافی، توضیحات و اضافات مترجم آمده است، دیگر کوتاه می‌آییم.

والسلام و علیکم و رحمة الله

می‌پرسید اساس تعلیمات تو چیست؟ خودم هم نمی‌دانم. نمی‌توانم آن را در چند کلمه بگنجانم؛ بیان کنم. می‌توانم؟

می‌پرسید تعلیمات چیست؟ پاسخ این است: نه مدرسی در کار است و نه درسی. این بخشی از تعلیمات است.

پرسیدید: تعلیمات چیست؟ نه؟ این طور بگویم: «آن جاکه «خود» شما هست، تعلیماتی در کار نیست.»

تعلیمات این است، یا چنین می‌گوید: «به خویشتن خود بنگر؛ به عمق هستی خود فرو رو؛ ببین در آن عمق چه می‌گذرد؛ آن‌چه را می‌گذرد درک کن؛ و به ورای آن برو.»

اینک به دقت گوش کن: «من هم معلم خویشم و هم شاگرد خویش. تو نیز چنینی.»

و اگر تو از زندگی خویش یک منجلاب ساخته‌ای، آن را دگرگون نمایی. هم اکنون آن را دگرگون نمایی، نه فردا. اگر نسبت به هستی خویش اطمینان نداری، ببین چرا چنین است؛ و نسبت به هستی خود اطمینان پیدا کن. اگر اندیشه تو یک روال صحیح و منطقی ندارد، آن را بر اساس منطقی استوار گردان.
